

# اولویت تهران در شام

**ماهیت پیچیده روابط ایران و سوریه در گذشته، آینده این روابط را مبهم نشان می‌دهد اما رفع این ابهام با توجه به مواضع تهران، نیازمند هوشیاری دولت الشرع است**

**گروه سیاسی**–طوفانی که دهم آذر ماه امسال (دسامبر ۲۴ ۲۰) از ادلب در شمال غرب سوریه آغاز شد، نه تنها نظام سیاسی در دمشق را در نور دید و ویران کرد بلکه کل منطقه غرب آسیا را هم تحت تأثیر قرار داد. حال در سومین ماه این طوفان گرچه شرایط به ظاهر امن، آزاد و دموکراتیک در سوریه ترسیم می‌شود اما تداوم این شرایط با اما و اگر هایی روبه‌روست. اثرات این رویداد بر ایران به عنوان یکی از کشورهای منطقه و نیز شریک استراتژیک نظام پیشین سوریه به مراتب از دیگر سرزمین‌ها و دولت‌ها بیشتر است.

**دومینوی سقوط اسد**
حلب، حما، دیر الزور، حمص، درعا، سویدا و در نهایت دمشق استان‌های سوریه بودند که از ۷ تا ۱۸ آذر سال جاری (۲۷ نوامبر تا ۸ دسامبر ۲۰۲۴)، یکی پس از دیگری در دومینوی تصرف گروه‌های مخالف حکومت «بشار اسد» گرفتار شده و سقوط کردند تار شانه‌های جهان در میان بهت و ناپاوری تسلیم ارتش سوریه و فرمانبردار رئیس‌جمهور این کشور به‌روسیه را گزارش کنند.

مخالفان اسد، نه از پاییز ۲۰۲۴ که از بهار ۲۰۱۱ راه خود را از نظام سیاسی او جدا کردند و گرچه در ابتدا با حضور گروه‌های روشنفکر سکولار و ملی‌گرا شناخته می‌شدند اما آرام‌آرام نام‌هایی چون تحریر الشام، جبهه النصره، داعش، کردهای مخالف دولت، نظامیان مخالف نظام، ارتش آزاد و انواع دیگر گروه‌های تندرو افراطی پرچم این مخالفت‌ها را به دست گرفتند و از آن مسیر بهار عربی خاور میانه به خزان ایدئولوژی‌های سلفی تغییر دادند. بشار اسد در برابر این جریان‌های افراطی توان لازم برای ایستادن را نداشت و این ایستادن به کمک گروه‌های مستشاری ایران و روسیه صورت گرفت و تا حد قابل قبولی هم به سامان بخشی امنیت در این کشور منجر شد.

این آتش‌زیر خاکستر اما در بحبوحه حملات رژیم اسراییل به غزه و لبنان و در حالی که چشم جهان

به انتظار یک آتش‌بس در لبنان دوخته شده بود، بار دیگر سر بر آورد و این بار اسد اراده لازم برای ایستادن را نشان نداد و از همین رو تصمیم او فرار از مهلکه و سپردن سکان به «محمد الجولانی» از گروه تحریر الشام بود. جولانی به فاصله اندکی پس از پیروزی لباس‌رزم از تن بیرون کرد و در هیئت‌وقامت تازه‌ای به لنز دوربین‌های متمرکز شده روی خود در کاخ الشعب سوریه لبخند زد و ادعا کرد که از منطق تحریر الشام و القاعده عبور کرده و منطق امروز او پیشرفت و توسعه سوریه است.

بر مبنای منطق جامعه‌شناسی، اقتصاد و سیاست در سوریه، سقوط نظام اسد به دلیل نزول ملموس اعتماد سیاسی میان مردم و حکومت، بحران‌های اقتصادی فلج‌کننده و ویرانی کشور در نتیجه سال‌ها جنگ، قابل‌پیش‌بینی بود اما از منظر نظام بین‌الملل این رویداد سریع‌تر از آن بود که بتوان در تحلیل دلایل، عواقب و تبعات آن سخن گفت. از این رو بسیاری از تحلیلگران داخلی و خارجی در سومین ماه سقوط نظام سیاسی در سوریه، همچنان در باره آینده این نظام و هیئتی که بر آن حاکم است، با احتیاط سخن می‌گویند اما اعتقاد بیشینه بر این است که ادعاهای دولت سوریه در احترام به همه گروه‌های مذهبی، فکری، زنان و روشنفکران در عالم واقعیت چندان اجرایی نشده و چالش‌های دیکتاتوری سکولار به دیکتاتوری سلفی هم کشیده خواهد شد. محمد الشرع که وعده تشکیل دولت فراگیر تامارس ۲۰۲۵ را داده بود، امروز از دشواری‌های این مسیر سخن می‌گوید و معتقد است برای رسیدن به این دولت و تغییر قانون اساسی، دست کم سه سال زمان نیاز است. همه‌معارضان دولت اسد در دولت جولانی تعیین تکلیف نشده‌اند و گروه‌ها، ارتش آزاد، علوی‌ها و برخی گروه‌های مورد حمایت آمریکا همچنان جایگاه خود را در پازل حکومت جدید نمی‌یابند. این اما تمام مشکل سوریه نیست؛ بر اساس گزارش سازمان ملل، ۹۰ درصد از مردم سوریه در حال حاضر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۷۵ درصد



به کمک‌های فوری بشر دوستانه نیاز دارند. هفت میلیون آواره داخلی هستند و بیش از پنج میلیون نفر به مصر، عراق، اردن، لبنان و ترکیه گریخته‌اند. خلأ قدرت پس از سقوط اسد و خروج نیروهای مستشاری به خوبی در بخش‌های مختلف سوریه و به‌ویژه در مرزهای این کشور با سرزمین‌های اشغالی احساس می‌شود. رژیم اسراییل بارها در طول ماه‌های گذشته حاکمیت ملی سوریه در بلندی‌های جولان را نقض و بسیاری از زیرساخت‌های این کشور را بمباران کرده اما سکوت مز‌مزد دولت جولانی در این زمینه، علامت سوال بزرگی در روابط دمشق و تل‌آویو ایجاد کرده است. این معضلات عمده دولت انتقالی الشرع در سرزمین شام است، معضلاتی که مهمترین گام حل آن‌ها رفع تحریم‌های شدید غرب است که باز اویه دید مثبتی که آمریکا و اروپا از آن به الشرع می‌نگرند؛ احتمال برداشته شدن آن‌روز به روز بیشتر هم می‌شود.

**شام تازه در خاورمیانه**

ژئوپلیتیک سوریه، این کشور را برای همه سرزمین‌های غرب آسیا و خاور میانه به حلقه‌ای مهم تبدیل کرده‌از این رو تمام تحولات آن با دقت

## بازگشت سایه جنگ بر روابط مصر و رژیم صهیونیستی

**جنگ طولانی مدت در غزه و نشانه‌های تمایلات توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی در سوریه و لبنان و کرانه باختری، حمایت آمریکا از کوچ فلسطینیان به سینا و همچنین بروز جرقه‌های درگیری مرزی میان ارتش مصر و صهیونیست‌ها، تهدید برتری هوایی و نظامی رژیم صهیونیستی بر مصر را برای قاهره جدی کرده است**

به خاک مصر است. او در سال ۲۰۲۳ اعلام کرد: «مصر به دلیل محافظت از امنیت ملی خود، مرزها را باز نخواهد کرد و هر گونه تلاش برای تخلیه غزه به

صحرائ سینا غیر قابل قبول است.» در دوران جنگ حدود ۱۰۰ هزار فلسطینی به مصر گریخته‌اند. اما نگرانی مصر از آوارگی جمعی بیش از ۲ میلیون جمعیت غزه، پس از حمله ارتش صهیونیستی به شهر فح به‌اوج رسید.پس از حمله اسراییل به بخش مصری گذرگاه رفح یک سرباز مصری در تبادل آتش بانیزوهای صهیونیستی در مرز کشته‌شد. در مقابل مصری‌ها نیز اقدامات امنیتی و حضور نظامی خود در مرز باغزه را افزایش دادند. این اقدامات شامل استقرار نیروهای بیشتر و تقویت دیوارهای مرزی است که رژیم صهیونیستی آن را نقض توافقتنامه صلح ۱۹۷۹ اعلام کرد. نگرانی قاهره با شکست طرح نظامی رژیم صهیونیستی در جنگ و پذیرش عقب‌نشینی صهیونیست‌ها از غزه در توافق آتش‌بس به‌طور موقت رفع شد اما با سخنان هفته‌های اخیر ترامپ در باره لزوم اسکان فلسطینیان در کشورهای همسایه به‌عنوان پیش‌شرط بازسازی این باریکه، بار دیگر نگرانی‌های مصر بازگشته‌اند.

**ابتکار بازسازی مصر و آمادگی برای مواجهه با فشارهای ترامپ**

عبدالفتاح السیسی با تأکید بر این که غزه بدون جابه جایی ساکنان خود باید بازسازی شود، کاملاً این ایده را رد کرده است. سیسی جابه‌جایی اجباری مردم غزه را «بی‌عدالتی» خوانده و گفته که به دلیل تأثیرات آن بر امنیت ملی مصر هرگز بخشی



رصد و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ناگفته پیداست که تغییر رژیم سیاسی در این کشور و حضور تفکری که با تفکر پیشین اختلاف‌زویه‌ای ۱۸۰ درجه دارند، در نوع و کیفیت روابط سوریه با کشورهای همسایه و منطقه تغییرات قابل تأمل ایجاد کرده و برای همه‌ا هاتبعاتی داشته و خواهد داشت. شام جدید از همان ۸ دسامبر تا همین چند هفته گذشته، در ماه‌عسلی شیرین با همسایه شمالی خود به‌سر می‌برد ترکیه خود را افتتاح اصلی میدان سقوط اسد و ظهور جولانی می‌دانست. «ابراهیم کالین» رئیس سازمان اطلاعات ترکیه در همان نخستین روزهای فتح شام به دست جولانی به این کشور سفر کرد و در مسجد املوی دمشق نماز خواند. دو هفته بعد هم «هاکان فیدان» وزیر امور خارجه ترکیه با جولانی دیدار و در باره آینده روابط دو کشور گفت‌وگو کرد.

قطر هم دیگر کشوری بود که همزمان با دگرگونی‌های سیاسی در سوریه تلاش کرد از این تحولات عقب‌نماند و مشارکت فعالی در این زمینه داشت. عراق بیش از هر کشور دیگری نگران سقوط اسد و ورود به درگیری‌های تازه در منطقه از یک سو و تحرکات گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب

بود. به نظر می‌رسد بغداد همچنان در رابطه با نظام سیاسی جدید روی کار آمده در دمشق محتاط‌است و منتظر رویدادهای آینده عربستان اما گرچه در صد تحولات عمیق تر بود و دیرتر به جمع دوستان جولانی پیوست؛ با دعوت از او برای حضور در عربستان و سنگ تمام گذاشتن در برگزاری مناسک حج او نشان داد که برای آینده شام، نقشه‌های مهمی در سر دارد و از این‌رو می‌توان سوریه را میدان تازه رقابت ریاض و آنکارا دانست، رقابتی که ترکیبی از سیاست و اقتصاد است. سوریه امروز برای رسیدن به سطح طبیعی یک کشور نیازمند سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حدود ۴۰۰ میلیارد دلار است و این یعنی عربستان زمین‌بکری برای بازی دارد و به نظر نمی‌رسد در این رقابت ترکیه بتواند برنده باشد و در نهایت می‌توان آینده سوریه را در مثلی از کشورهای ترکیه، قطر و عربستان تصور کرد که سایه آمریکا هم بر آن سنگینی خواهد کرد و اروپا هم در پی سهم خود از آن خواهد بود.

**ماهیت پیچیده روابط ایران و سوریه؛ گذشته‌ای که آینده را مبهم ساخته است**

سقوط حکومت بشار اسد گرچه برای تمام منطقه عجیب بود اما برای تهران شوک آن عمیق‌تر و گسترده‌تر بود. جمهوری اسلامی ایران به دلایل تاریخی، انسانی، سیاسی و امنیتی در سال‌های گذشته و در خواست و تأیید اسد، در کنار او با گروه‌های تروریستی جنگید اما به محض تردید و تعلل اسد در حفظ نظام خود، کنار ایستاد تا تصمیم‌گیر اصلی رویدادها مردم سوریه باشند.

شوکت ابتدایی سقوط نظام سوریه، سبب شد که تهران از حاکمان جدید این کشور تنها به یک خواسته بسنده کند و آن فقط حرمت عتبات شیعیان سوریه بود که جولانی تاکنون تا حدودی توانسته این خواسته را اجابت کند. اکنون اما در سومین ماه سقوط، میان تهران و دمشق سیگنال‌هایی در حال تبادل است. «محمدرضا ثوفا شیبانی» نماینده ویژه وزیر امور خارجه در امور سوریه با تأیید تبادل



و طبیعتاً قطع این کمک‌ها نخستین ابزار فشار واشنگتن است.

**تنوع بخشی به بازار خریدهای دفاعی**

اگرچه کمک‌های اقتصادی آمریکا به مصر گسترده نیست اما با توجه به نارضایتی عمومی در مصر به دلیل بحران وخیم اقتصادی و تورم دورقمی، که بخشی از آن به دلیل جنگ در غزه و کاهش تردد کشتی‌ها از دریای سرخ بوده است، این اقدام می‌تواند برای دولت السیسی چالش‌آفرین باشد. اما بازم اگر مصر با چالش فشارهای اقتصادی، با توجه به حمایت افکار عمومی از مقاومت دولت در برابر طرح ترامپ، کنار بیاید مسئله کمک‌های نظامی به‌احتی قابل نادیده گرفتن نیست بوپژه اینکه بررسی سریع نقشه‌اطراف مصر نشان می‌دهد که مهم‌ترین تهدیدات تصور شده برای امنیت ملی این کشور در مکان‌های دور افتاده‌ای قرار دارند که مصر به‌طور سنتی امکان استفاده از نیروی زمینی را ندارد. این تهدیدات شامل اتیوپی، دریای سرخ جنوبی، لیبی و آسیب‌پذیری احتمالی منطقه‌ای درگیری اسراییل و محور مقاومت است. از دیدگاه ژنرال‌ها در قاهره، این فهرست به‌منزله لزوم ساخت یک بازوی بلند، مدرن و تواناست. اما اکنون جنگ طولانی مدت در غزه نشانه‌های تمایلات توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی در سوریه و لبنان و کرانه باختری، حمایت آمریکا از کوچ فلسطینیان به سینا و همچنین بروز جرقه‌های درگیری مرزی میان ارتش مصر و صهیونیست‌ها، تهدید برتری هوایی و نظامی رژیم صهیونیستی بر مصر را برای قاهره جدی کرده است. اصل اساسی در فروش‌های تسلیحاتی آمریکادر کشور های غرب آسیا و شمال آفریقا همواره بر

## اخبار | ۱۱